

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۲۰

تاریخ تصویب مقاله: ۹۵/۸/۱۹

رابطه سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های انضباطی با جرأت‌ورزی دانش آموزان

لیلا پودینه*، دکتر حسین جناآبادی** و دکتر عبدالوهاب پورقاز***

چکیده

جرأت‌ورزی یکی از مؤلفه‌های مهم روابط و مهارت‌های اجتماعی است که می‌تواند تحت‌تأثیر عوامل مختلف از جمله سبک‌های فرزندپروری و انضباطی قرار بگیرد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های انضباطی مدیران و معلمان با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی-همبستگی (از نوع رگرسیون) بود که از بین دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر زابل در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ به شیوه نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای متناسب با حجم تعداد ۳۹۰ دانش‌آموز از طریق سه پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری دیانا بامریند

*کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

**دانشیار روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

***دانشیارگروه آموزش و پرورش دانشگاه سیستان و بلوچستان

(۱۹۷۲)، جرأت‌ورزی گمبریل و ریچی (۱۹۷۵) و سبک‌های انضباطی درک شده مدیران و معلمان رضانی (۱۳۸۹) مورد مطالعه قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با جرأت‌ورزی، رابطه‌ای وجود ندارد ($p > 0/05$)؛ اما بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با جرأت‌ورزی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبدانه با جرأت‌ورزی رابطه منفی معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). نتایج رگرسیون نیز نشان داد که سبک‌های فرزندپروری ۵۰/۹ درصد از واریانس جرأت‌ورزی را تبیین می‌کنند. یافته دیگر این مطالعه نشان داد که بین سبک انضباطی غیرمداخله‌ای با جرأت‌ورزی، رابطه‌ای وجود ندارد ($p > 0/05$)؛ اما بین سبک انضباطی مشارکتی با جرأت‌ورزی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک انضباطی مستبدانه با جرأت‌ورزی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). نتایج رگرسیون نیز نشان داد، سبک‌های انضباطی ۵۴/۳ درصد از واریانس جرأت‌ورزی را تبیین می‌کنند. براساس یافته‌ها، برگزاری دوره فرزندپروری برای والدین و دوره سبک‌های انضباطی برای مدیران و معلمان مدارس، به‌منظور افزایش جرأت‌ورزی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های انضباطی، جرأت‌ورزی.

مقدمه

جرأت‌ورزی^۱ به توانایی فرد در بیان و دفاع از عقاید، علاقه‌مندی و احساسات خود به گونه‌ای شایسته و بدون اضطراب اطلاق می‌شود (لیزارا، یوگاریت، گرادل و ایریارت^۲، ۲۰۰۳). فرد جرأت‌ورز، مسئولیت رفتارها و انتخاب‌های خود را می‌پذیرد، دارای عزت‌نفس کافی است، احساس، افکار و نگرشی مثبت نسبت به خود و دیگران دارد و رفتارش با خود و دیگران صریح و صادقانه است. فرد جرأت‌مند از روش‌های ارتباطی استفاده می‌کند که او را قادر می‌سازند، حرمت نفس خود را حفظ کرده و خشنودی و ارضای خواسته‌هایش را دنبال کند (اسمعیلی، ۱۳۸۹). افرادی که ابراز وجود دارند، درجات بالایی از اعتماد به نفس و حرمت

^۱. Assertiveness

^۲. Lizarage, Ugarit, Gradelle, & Iriarte

نفس را نشان می‌دهند (رادسیپ^۱، ۲۰۰۵). برخی از کودکان رفتارهای جرأت‌مندانه را یاد نگرفته‌اند و قدرت نه گفتن را ندارند و نمی‌توانند به صورت جرأت‌مندانه با اطرافیان خود تعامل داشته باشند (ون‌گاندی^۲، ۲۰۰۲). بر این اساس، ملاحظه می‌شود که میزان پذیرش خود و عزت‌نفس در این‌گونه کودکان پایین است (لور و موری^۳، ۲۰۰۲). افراد کم‌جرأت یا بی‌جرأت تمایل دارند که از تعارض در همه شرایط جلوگیری کنند. این افراد نگرانی‌ها را درونی می‌کنند تا خود را به خطر نیندازند. اعتقاد زیربنایی این افراد آن است که نیازهای افراد دیگر مهمتر از نیازهای خودشان است و اگر فرد نیازهای خودش را برآورده کند، دیگران او را طرد خواهند کرد. آنها می‌توانند افکار و احساسات خود را به شکل خصومت‌آمیز و پرخاشگرانه نیز نشان دهند. این افراد در برآوردن نیازهایشان از تهدید و کنترل استفاده می‌کنند. همچنین، صحبت با صدای بلند و خشن، خصمانه نگاه کردن به دیگران، صحبت در رابطه با اتفاقات گذشته به صورت ملامت‌کننده، سرزنش‌کننده و تحقیرآمیز، بیان تند و خودخواهانه احساسات و عقاید در یک الگوی تعصبی، ارزش‌های خود را مهمتر از ارزش‌های دیگران قلمداد کردن و صدمه زدن به دیگران برای اجتناب از صدمه شخصی، از ویژگی‌های این افراد است (اسمعیلی، ۱۳۸۹): از این‌رو، برای رفع این‌گونه اختلال‌های رفتاری و ناهنجاری عاطفی، یافتن عوامل تأثیرگذار بر جرأت‌ورزی کودکان ضروری است که در این پژوهش به نقش عوامل سبک‌های فرزندپروری^۴ و سبک‌های انضباطی^۵ پرداخته شده است.

فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای، شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد (بامریند، ۱۹۹۱). در واقع، پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. از دیدگاه

1. Raudsepp

2. Van Gandy

3. Lorr & More

4. Parenting Styles

5. Discipline Styles

بامریند، فرزندپروری به سه روش تقسیم شده است که بر تقاضاها و پاسخ‌دهی والدین مبتنی است و عبارت‌اند از: الف) سبک فرزندپروری مقتدرانه^۱: این‌گونه والدین مقررات را برای فرزندانشان وضع می‌کنند و بر اجرای آن اصرار شدید دارند، فرزندان خود را هدایت می‌کنند، آنها را تشویق می‌کنند که مستقل باشند و علاقه زیادی برای پیشرفت آنان نشان می‌دهند و بازخورد مثبتی به فرزندانشان می‌دهند. ب) سبک فرزندپروری مستبدانه^۲: فرزندپروری مستبدانه با تقاضاهای بالای والدین و پاسخ‌دهی کم آنها مشخص می‌شود. والدین مستبد انتظارات بسیار بالایی از فرزندان خود دارند و در تعامل با فرزندان عواطف اندکی نشان می‌دهند. این والدین لزومی برای ارائه دلیل، در جهت دستورات خود نمی‌بینند و بر اطاعت و احترام بی‌چون و چرای فرزندان تأکید می‌کنند. ج) سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه^۳: فرزندپروری سهل‌گیرانه با تقاضاهای کم والدین و پاسخ‌دهی زیاد آنها مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر توجه بیش‌ازحد به فرزندانشان نشان می‌دهند و از آنان انتظارات کمی دارند. این والدین اغلب استقلال و آزادی زیادی به فرزندان می‌دهند؛ ولی معمولاً اهداف و انتظارات روشنی برای فرزندان ترسیم نمی‌کنند (شکوهی‌یکتا و همکاران، ۱۳۸۵).

انضباط، محور اساسی در برنامه‌های آموزشی در کلاس‌های درس است. فونتانا^۴ (۲۰۰۰) معتقد است بی‌انضباطی، ارتباط منطقی و دوسویه بین معلم و دانش‌آموز را برهم زده و میزان یادگیری را به حداقل می‌رساند. از این‌رو، برخورد با مسئله بی‌انضباطی در مدارس بسیار مهم است. سه سبک رایج و متداول برای برخورد با مسئله بی‌انضباطی که مدنظر پژوهش حاضر نیز می‌باشد، شیوه‌های انضباطی عدم‌مداخله^۵، تعاملی^۶ (مشارکتی) و مداخله‌ای^۷ (استبدادی) است.

1. Authoritative

2. Authoritarian

3. Permissive

4. Fontana

5. Disciplinary methods of nonintervention

6. Interactive discipline

7. Disciplinary methods of intervention

ایده‌ی اساسی نظریه‌ی عدم‌مداخله این است که دانش‌آموز باید مسئولیت اصلی کنترل رفتار خود را عهده‌دار شود. معلمان در این نوع از مدیریت کمتر احتمال دارد که دستور دهند یا از توییح و تنبیه استفاده کنند. دانش‌آموزان آزادی بیشتری در کلاس دارند. مهمتر از این، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در مقابل رفتارهای خود بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد. الگوی تعاملی بر پایه‌ی این ایده‌ی اساسی استوار است که کنترل رفتار دانش‌آموز مسئولیت مشترک معلمان و فراگیران است و تنها نمی‌توان مسئولیت آن را به معلمان واگذار کرد. طرفداران این نظریه معتقدند که ماهیت گروهی کلاس مستلزم این است که معلم نیازهای گروه را به‌عنوان یک کل بر نیازهای فردی دانش‌آموزان ترجیح دهد و از راهبردهای گروهی آموزش به‌جای راهبردهای صرفاً فردی استفاده کند. سیستم مداخله‌ای نیز بر این مبنا استوار است که کنترل رفتار دانش‌آموز، نخستین مسئولیت معلم است. همچنین، دانش‌آموزان می‌خواهند معلم متصدی کلاس باشد و انتظار دارند معلم مراقب رفتار فراگیران باشد؛ چرا که مبنای انضباط مثبت کلاسی، ایجاد محیطی است که معلم می‌آفریند و دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد تا رفتار مناسب در این دیدگاه از خود نشان دهند (فونتانو، ۲۰۰۰). در این سبک انضباطی، مرکز توجه، قوانین و مقررات تعیین شده از طرف مدرسه است و دانش‌آموز با توجه به این عوامل هدایت می‌شود و هدف معلم نیز در این زمینه برقراری هرچه بیشتر نظم و انضباط در کلاس درس است تا دانش‌آموزان از این قوانین تخطی نکنند (قدوسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳).

مطالعات نشان می‌دهد که عامل خانواده و به‌خصوص رفتار والدین در دوران کودکی، نقش مهمی در بروز اختلال رفتاری در بزرگسالی دارد و نحوه‌ی تعامل و ارتباط والدین و شیوه‌های فرزندپروری آنها با کودک عامل مهمتری از عوامل ارثی و زیستی در بروز اختلالات رفتاری است (ظروفی، ۱۳۸۰؛ به نقل از یعقوبی‌دوست و عنایت، ۱۳۹۳). در پژوهشی دیگر مشخص شد که مادران نوجوانان با اختلال سلوک بیش از مادران عادی از روش‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند و در مقابل، به‌کارگیری شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه در خانواده‌های با نوجوانان دارای اختلال سلوک پایین‌تر است (کميجانی و ماهر، ۱۳۸۶). شیوه‌ی فرزندپروری

استبدادی را عامل مرتبط با بروز رفتارهای ضداجتماعی در دختران گزارش کرده‌اند (سهرابی و حسنی، ۱۳۸۶). در یک بررسی مشخص شد که نمره‌های پسران نوجوان از دختران نوجوان در اعتماد اجتماعی بالاتر است و نقش شیوه فرزندپروری مقتدرانه در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی مورد تأکید بوده است و سبک فرزندپروری دموکراتیک پیش‌بینی کننده مثبت اعتماد اجتماعی گزارش شده است (ورای لیک و فلاناگان^۱، ۲۰۱۲). در مطالعه‌ای دیگر مشخص شد که نظارت و کنترل اندک والدین بر فرزندان خود، موجب وابسته شدن آنها به همتایان منحرف در بیرون از منزل شده، زمینه‌های فرار از منزل را برای نوجوانان هموار می‌کند (سیمون، سیمون و کانگر^۲، ۲۰۰۴؛ به نقل از صفرزاده، ۱۳۹۰).

درخصوص اثر سبک‌های انضباطی بر عملکرد دانش‌آموزان، مطالعات نشان می‌دهد که دریافت بین ابعاد مهارت‌های مدیریت کلاس و سبک‌های انضباطی معلمان و بی‌انضباطی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد (کایکسی، ۲۰۰۹). دیجیک و استوجیلیکویک (۲۰۱۱) نشان دادند، زمانی که معلمان سبک انضباطی تعامل‌گرا را به کار می‌برند، دانش‌آموزان پیشرفت تحصیلی بالاتری دارند و زمانی که معلمان مداخله‌گر هستند، آنان پیشرفت تحصیلی پایینی دارند. همچنین، با توجه به تحقیقات انجام‌گرفته، بین منبع کنترل دانش‌آموزان و گرایش آنها به سبک انضباطی تعامل‌گرایانه و غیرمداخله‌گرایانه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و سبک انضباطی تعامل‌گرایانه بیشترین پیش‌بینی را از منبع کنترل دانش‌آموزان دارد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به مطالب ذکر شده، رشد مهارت‌های جرأت‌ورزی در کودکان بسیار ضروری است؛ زیرا آنان با کسب این مهارت‌ها بهتر می‌توانند در گروه دوستان پذیرفته و جذب شوند و این امر باعث افزایش عزت نفس آنها می‌شود و به دنبال آن، عزت نفس بالا می‌تواند موجب افزایش پیشرفت تحصیلی و موفقیت‌های شغلی شود. پژوهشگر به‌عنوان معلم، سال‌هاست که در

¹. Wray- Lake & Flanagan

². Simon, Simon & Konger

مدارس زایل مشغول به تحصیل است و دریافته که خیلی از کودکان از جرأت‌ورزی مناسبی برخوردار نیستند؛ به طوری که به راحتی نمی‌توانند به ابراز وجود خود پردازند؛ از این‌رو، به دنبال شناسایی عوامل تأثیرگذار بر جرأت‌ورزی کودکان برآمد. با توجه به اینکه کودکان وقت زیادی را در خانواده و مدرسه می‌گذرانند؛ به همین دلیل، در این پژوهش سبک فرزندپروری و سبک‌های انضباطی مدارس به عنوان متغیرهای پیش‌بین انتخاب شدند. از آنجا که دانش‌آموزان، بزرگسالان آینده جامعه بوده و میزان برخورداری آنان از مهارت‌های اجتماعی و به‌ویژه مهارت ابراز وجود (جرأت‌ورزی) بسیار ضروری است؛ از این‌رو، شناسایی عوامل مؤثر بر این مهارت بسیار ضروری و حائز اهمیت است. همچنین، یافته‌های این پژوهش در زمینه سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های انضباطی، می‌تواند اطلاعات مفید و مناسبی را برای مسئولان آموزشی و والدین فراهم آورد تا در این جهت بتوانند برنامه‌ها و اقدامات مناسبی را به منظور آموزش جرأت‌ورزی کودکان طراحی و اجرا کنند. انجام ندادن چنین مطالعه‌ای، ضرورت انجام این پژوهش را دو چندان می‌کند؛ بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های انضباطی ادراک شده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان شهر زابل است و دو فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد: ۱- سبک‌های فرزندپروری، جرأت‌ورزی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند. ۲- سبک‌های انضباطی مدیران و معلمان، جرأت‌ورزی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از دو بُعد مدنظر قرار می‌گیرد: هدف و شیوه گردآوری داده‌ها. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است. همچنین، با توجه به هدف اصلی پژوهش، که بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های انضباطی با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان است، به لحاظ ارتباط بین متغیرها، این پژوهش توصیفی-همبستگی (از نوع رگرسیون چندگانه) به‌شمار می‌آید. جامعه آماری این پژوهش را همه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل در

مدارس شهرستان زابل در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بودند که حجم آن ۵۸۰۰ دانش‌آموز (۳۴۰۲ پسر و ۲۳۹۸ دختر) بود. با توجه به اینکه حجم جامعه آماری دانش‌آموزان دختر و پسر یکسان نبود؛ به شیوه نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای متناسب با حجم و براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۹۰ دانش‌آموز (۲۴۵ دانش‌آموز پسر و ۱۴۵ دانش‌آموز دختر) به‌عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. قبل از اجرای پژوهش، هدف از انجام پژوهش به دانش‌آموزان توضیح داده شد، رضایت آنها برای شرکت در پژوهش جلب شد و به آنها اختیار داده شد که هرگاه خواستند از ادامه همکاری با پژوهشگر انصراف دهند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات سه پرسش‌نامه زیر بود:

پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری^۱ دینا نامریند: این پرسش‌نامه در سال ۱۹۷۲ توسط دینا نامریند طراحی شد. ۳۰ گویه این پرسش‌نامه سه شیوه فرزندپروری را می‌سنجد: ۱۰ گویه (گویه‌های ۲، ۳، ۱۲، ۹، ۷، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹) شیوه مستبدانه، ۱۰ گویه (گویه‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۳، ۲۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲) شیوه مقتدرانه و ۱۰ گویه (گویه‌های ۱، ۶، ۱۰، ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳) شیوه سهل‌گیرانه. پرسش‌نامه براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» تنظیم شده است. نمره‌گذاری آن از «۱=کاملاً مخالفم» تا «۵=کاملاً موافقم» است. این پرسش‌نامه در پژوهش‌های متعددی بررسی شده و اعتبار و روایی آن در حد مطلوبی گزارش شده است. بوری (۱۹۹۱) از روش بازآزمایی، پایایی این ابزار را برای سبک‌های سهل‌گیرانه، استبدادی و مقتدرانه به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۶، ۰/۷۸ گزارش کرده است (امیرپور و همکاران، ۱۳۹۴). در این مطالعه برای تعیین روایی پرسش‌نامه‌ها از روایی محتوا استفاده شد و پرسش‌نامه به تأیید صاحب‌نظران دانشگاهی رسید. برای تعیین پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ بود.

^۱. Parenting styles questionnaire

پرسش‌نامه جرأت‌ورزی^۱ گمبریل و ریچی (۱۹۷۵): این پرسش‌نامه دارای ۲۲ سؤال است. هر سؤال آزمون، موقعیتی را که مستلزم رفتار جرأت‌ورزی است، نشان می‌دهد. پرسش‌نامه براساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از اصلاً ناراحت نمی‌شوم تا بسیار زیاد ناراحت می‌شوم، تنظیم شده است. نمره‌گذاری آن در این پژوهش از «۱=بسیار زیاد ناراحت می‌شوم» تا «۵=اصلاً ناراحت نمی‌شوم» است. ضریب پایایی این آزمون توسط گمبریل و ریچی برابر با ۰/۸۱ گزارش شده است (کرمر^۲، ۲۰۱۱). روایی پرسش‌نامه مذکور در ایران در مطالعات متعدد از قبیل زارع و همکاران (۱۳۹۵) توسط صاحب‌نظران علمی به تأیید رسیده است و مقدار ضریب پایایی آن نیز ۰/۷۲ گزارش شده است. در این مطالعه، روایی پرسش‌نامه به‌شیوه روایی محتوایی به تأیید صاحب‌نظران دانشگاهی رسید و برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای جرأت‌ورزی ۰/۸۰ بود.

پرسش‌نامه شیوه‌های انضباطی درک شده رضائی (۱۳۸۹): این پرسش‌نامه به‌منظور سنجش سبک‌های انضباطی مدیران طراحی شده است که در پژوهش حاضر تغییراتی بر روی آن اعمال شد تا برای اجرا در مدارس مناسب باشد. این پرسش‌نامه در قالب ۲۵ سؤال به بررسی سه سبک انضباطی: مستبدانه (گویه‌های ۱ تا ۸)، مشارکتی (گویه‌های ۹ تا ۱۶) و غیرمداخله‌ای (۱۷ تا ۲۵) می‌پردازد. پرسش‌نامه براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» تنظیم شده است. نمره‌گذاری آن از «۱=کاملاً مخالفم» تا «۵=کاملاً موافقم» است. در مطالعه علوی‌لنگرودی و سلیمانی (۱۳۹۲) پایایی سبک‌های انضباطی مستبدانه، مشارکتی و غیرمداخله‌ای به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۱ و ۰/۹۳ گزارش شده است و در این مطالعه، روایی پرسش‌نامه به‌شیوه روایی محتوایی به تأیید صاحب‌نظران دانشگاهی رسید و برای تعیین پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ضریب آلفای کرونباخ سبک‌های انضباطی مستبدانه، مشارکتی و غیرمداخله‌ای به ترتیب ۰/۸۳۶، ۰/۸۰۲ و ۰/۷۸۸ بود.

1. Assertiveness Inventory

2. Cramer

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان با کمک نرم‌افزار SPSS21 استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، تعداد ۳۹۰ دانش‌آموز دوره متوسطه دوم شهر زابل مورد مطالعه قرار گرفتند که ۲۱۵ نفر (۵۹/۷٪) پسر و ۱۴۵ نفر (۴۰/۳٪) دختر، ۱۱۸ نفر (۳۲/۸٪) ۱۶ سال، ۱۹۸ نفر (۵۵٪) ۱۷ سال، ۴۰ نفر (۱۱/۱٪) ۱۸ سال و ۴ نفر (۱/۱٪) ۱۹ سال و ۵۶ نفر (۱۵/۶٪) در رشته علوم انسانی، ۲۴۰ نفر (۶۶/۷٪) در رشته علوم تجربی، ۶۴ نفر (۱۷/۸٪) در رشته ریاضی مشغول به تحصیل بودند.

برای بررسی وضعیت پاسخگویی آزمودنی‌ها به متغیرهای تحقیق از آمار توصیفی استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. گزارش نحوه پاسخگویی آزمودنی‌ها به متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	SD
سبک فرزندپروری مستبدانه	۳۹۰	۱۳	۵۰	۲۷/۹۴	۷/۰۷
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۳۹۰	۱۲	۵۰	۳۳/۹۶	۶/۲۹
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۳۹۰	۱۴	۵۰	۳۰/۷۸	۶/۸۸
سبک انضباطی مستبدانه	۳۹۰	۸	۴۰	۲۳/۰۴	۸/۴۶
سبک انضباطی مشارکتی	۳۹۰	۱۰	۴۰	۲۶/۷۸	۸
سبک انضباطی غیرمداخله‌ای	۳۹۰	۹	۴۵	۲۱/۴۹	۸/۲۹
جرأت‌ورزی	۳۹۰	۱۲	۱۰۰	۴۴/۰۶	۱۳/۸۵

به منظور ارائه تصویری روشن از ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و جرأت‌ورزی دانش‌آموزان، ضریب همبستگی بین این متغیرها محاسبه گردید که نتایج آن در جدول شماره ۲

گزارش شده است. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد، بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با جرأت‌ورزی رابطه‌ای وجود ندارد ($p > 0/05$)؛ اما بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با جرأت‌ورزی رابطه مثبت معنادار ($r = 0/634$) و بین سبک فرزندپروری مستبدانه با جرأت‌ورزی رابطه منفی معنادار ($r = -0/483$) وجود دارد ($p = 0/0001$).

جدول ۲. ضرایب همبستگی سبک‌های فرزندپروری با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان

جرأت‌ورزی		متغیر
Sig	r	
0/0001	-0/483	سبک فرزندپروری مستبدانه
0/0001	0/634	سبک فرزندپروری مقتدرانه
0/697	0/021	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه

به منظور بررسی فرضیه اول پژوهش مبنی بر آنکه «سبک‌های فرزندپروری، جرأت‌ورزی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند» و به منظور تعیین سهم هر یک از سبک‌های فرزندپروری در میزان جرأت‌ورزی دانش‌آموزان از تحلیل رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده شد که یافته‌های آن در جدول شماره ۳ گزارش شده است. براساس جدول شماره ۳ مقدار ضریب تبیین (R^2) برابر با 0/509 می‌باشد که به این معناست، سبک‌های فرزندپروری 50/9 درصد از واریانس جرأت‌ورزی را تبیین می‌کنند، به گونه‌ای که سبک فرزندپروری مقتدرانه به شکل مثبت جرأت‌ورزی را پیش‌بینی کرده است ($\beta = 0/544, P = 0/0001$)؛ اما سبک فرزندپروری مستبدانه به شکل منفی جرأت‌ورزی را پیش‌بینی نموده است ($\beta = -0/34, P = 0/0001$).

جدول ۳. خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی جرأت‌ورزی براساس سبک‌های فرزندپروری

Sig	t	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرهای پیش‌بین
		استاندارد	استاندارد	غیر استاندارد	
		Beta	Std. Error	B	
۰/۰۰۰۱	۴/۸۶		۴/۷۴	۲۳/۱۰۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۰۱	۸/۸۳	-۰/۳۴	۰/۰۷۵	-۰/۶۶۷	فرزندپروری مستبدانه
۰/۰۰۰۱	۱۴/۱۱	۰/۵۴۴	۰/۰۸۵	۱/۱۹۷	فرزندپروری مقتدرانه
۰/۶۴۳	۰/۴۶۴	-۰/۰۱۷	۰/۰۷۵	-۰/۰۳۵	فرزندپروری سهل‌گیرانه
R = ۰/۷۱۳		R² = ۰/۵۰۹	F = ۱۲۳/۰۴	Sig = ۰/۰۰۰۱	

به منظور ارائه تصویری روشن از ارتباط بین سبک‌های انضباطی مدیران و معلمان با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان، ضریب همبستگی بین این متغیرها محاسبه گردید که نتایج آن در جدول شماره ۴ گزارش شده است. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد، بین سبک انضباطی غیرمداخله‌ای با جرأت‌ورزی رابطه‌ای وجود ندارد ($p > ۰/۰۵$)؛ اما بین سبک انضباطی مشارکتی با جرأت‌ورزی رابطه مثبت معنادار ($r = ۰/۵۸۵$) و بین سبک انضباطی مستبدانه با جرأت‌ورزی رابطه منفی معنادار ($r = -۰/۶۱۷$) وجود دارد ($p = ۰/۰۰۰۱$).

جدول ۴. ضرایب همبستگی سبک‌های انضباطی با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان

متغیر	r	Sig
سبک انضباطی مستبدانه	-۰/۶۱۷	۰/۰۰۰۱
سبک انضباطی مشارکتی	۰/۵۸۵	۰/۰۰۰۱
سبک انضباطی غیرمداخله‌ای	۰/۰۳۲	۰/۵۵۱

به‌منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر آنکه «سبک‌های انضباطی مدیران و معلمان، جرأت‌ورزی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند» و به‌منظور تعیین سهم هریک از سبک‌های انضباطی در میزان جرأت‌ورزی دانش‌آموزان از تحلیل رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده شد که یافته‌های آن در جدول شماره ۵ گزارش شده است. براساس این جدول مقدار ضریب تبیین (R^2) برابر با ۰/۵۴۳ می‌باشد که به این معناست سبک‌های انضباطی ۵۴/۳ درصد از واریانس جرأت‌ورزی را تبیین می‌کنند، به‌گونه‌ای که سبک انضباطی مشارکتی به نحو مثبت جرأت‌ورزی را پیش‌بینی نموده است ($\beta = ۰/۴۳۵, P = ۰/۰۰۰۱$)؛ اما سبک انضباطی مستبدانه به نحو منفی جرأت‌ورزی را پیش‌بینی نموده است ($\beta = ۰/۴۷۴, P = ۰/۰۰۰۱$).

جدول ۵. خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی جرأت‌ورزی براساس سبک‌های انضباطی

Sig	t	ضرایب		متغیرهای پیش‌بین
		خطای استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	
		Beta	Std. Error	B
۰۰/۰۰۰۱	۱۵/۵۹		۲/۹۴۷	۴۵/۹۶
۰/۰۰۰۱	۱۲/۲۹	-۰/۴۷۴	۰/۰۶۳	-۰/۷۷۶
۰/۰۰۰۱	۱۱/۱۶	۰/۴۳۵	۰/۰۶۷	۰/۷۵۳
۰/۲۲	۰/۱۸۹	-۰/۱۱۷	۰/۰۶۱	-۰/۱۹۵
$R = ۰/۷۳۷$		$R^2 = ۰/۵۴۳$	$F = ۱۴۱/۰۷$	$Sig = ۰/۰۰۰۱$

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و انضباطی با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم شهرستان زابل انجام گرفت. یافته اول این پژوهش نشان داد که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با جرأت‌ورزی، رابطه‌ای وجود ندارد؛ اما بین سبک

فرزندپروری مقتدرانه با جرأت‌ورزی، رابطه مثبت و معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبدانه با جرأت‌ورزی، رابطه منفی معناداری وجود دارد. معدود پژوهش‌های انجام شده این یافته پژوهشی را تأیید می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، یافته‌های پژوهش احمدی و احتشام‌زاده (۱۳۹۳ الف) نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه پدران با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر، همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد و بین سبک مقتدرانه فرزندپروری پدران با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در مطالعه‌ای دیگر احمدی و احتشام‌زاده (۱۳۹۳ ب) دریافتند که بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه مادران با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر، همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد و بین سبک مقتدرانه فرزندپروری مادران با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. سطح جرأت‌ورزی کودکان می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های فرزندپروری قرار بگیرد. در فرزندپروری مستبدانه، فرزندان در محیط خانواده با محدودیت‌های شدیدی مواجه می‌شوند؛ آنان موظفند که از مقررات خاص والدین پیروی کنند، والدین نیز از فرزندانشان اطاعت بی‌چون و چرا می‌خواهند و به‌ندرت علت خواسته‌های خود را توضیح می‌دهند (امیرپور و همکاران، ۱۳۹۴). در چنین حالتی، فرزندان نمی‌توانند خواسته‌ها و انتظارات خود را برای دیگران بیان کنند و احساس قاطعیت و جرأت‌ورزی آنها پایین خواهد آمد. در شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، والدین از فرزندان خود انتظارات چندانی ندارند و فرزندان در بیان احساسات و رفتارهای تکانشی خود آزادی عمل ندارند. چنین والدینی برای کنترل فرزندان خود، از تنبیه یا زور استفاده می‌کنند (پیکو و همکاران، ۲۰۱۲). در چنین حالتی نیز فرزندان نمی‌دانند چه زمانی قاطعیت و جرأت‌ورزی خود را به نمایش بگذارند. در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، والدین انعطاف‌پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود، برای آنان مقررات روشنی تعیین می‌کنند و برای مقررات وضع شده، دلایلی ارائه می‌دهند و اغلب در مورد خواسته‌هایشان با فرزندان خود استدلال می‌کنند. این والدین به نیازها و عقاید فرزندان خود حساس‌اند و آنان را به رعایت مقررات خانوادگی تشویق می‌کنند (سعیدی‌نژاد، ۱۳۹۲). در چنین وضعیتی، فرزندان توانایی ابراز وجود

خود را دارند. به طوری که بدون هرگونه اضطرابی روی پاهای خود بایستند، احساسات واقعی خود را صادقانه ابراز کنند و با توجه کردن به حقوق دیگران، حق خود را بگیرد. در تبیین رابطه سبک فرزندپروری مقتدرانه با جرأت‌ورزی کودکان باید گفت که در خانواده، والدین در آموزش رفتارهای اجتماع‌پسندانه مؤثرتر عمل می‌کنند و نسبت به سایر والدین واقعیت‌ها و بینش‌های شناختی را بهتر به کودکان خود منتقل می‌کنند و اغلب برای مطیع‌سازی از استدلال و منطق بهره می‌برند و با بیان انتظارات منطقی خود از فرزندشان، به ایجاد یک احساس اعتماد به خود و دیگران در کودک کمک می‌کنند؛ بنابراین، این حس اعتماد به خود باعث می‌شود که فرد در ایجاد و حفظ ارتباطات نزدیک و صمیمی با دیگران با مهارت و آرامش بیشتری تعامل کند و ویژگی اعتماد به دیگران باعث می‌شود که نسبت به تعاملات با دیگران نگرش مثبتی داشته باشند و از جرأت‌ورزی بالاتری برخوردار باشند. والدین مقتدر علاوه بر گرم و صمیمی بودن، با فرزندان خود کنترل‌کننده و اطمینان‌بخش نیز هستند. این شیوه به فرزندان کمک می‌کند که با هنجارهای اجتماعی بهتر سازگار شوند و فرزندان آنها واقع‌گرا، خودکارآمد و فعال و مسئولیت‌پذیر باشند. والدین مستبد و کمال‌گرا، برای فرزندان خود معیارهای سخت و غیرواقع‌بینانه در نظر می‌گیرند، بیش از اندازه انتقاد می‌کنند و از تأیید کودکان خود دوری می‌کنند و این والدین در حقیقت این عقیده را در کودک به وجود می‌آورند که همیشه حق به جانب والدین است؛ درحالی که او همیشه در اشتباه است و سبب تضعیف جرأت‌ورزی فرزند می‌شود.

یافته دوم این مطالعه نشان داد، بین سبک انضباطی غیرمداخله‌ای با جرأت‌ورزی رابطه‌ای وجود ندارد؛ اما بین سبک انضباطی مشارکتی با جرأت‌ورزی رابطه مثبت معنادار و بین سبک انضباطی مستبدانه با جرأت‌ورزی رابطه منفی معناداری وجود دارد. برخورد با مسائل انضباطی دانش‌آموزان از وظایف اصلی یک معلم مؤثر و توانمند است. در این زمینه، معلمان به شیوه مداخله‌گر (استبدادی)، تعاملی (مشارکتی) و غیرمداخله‌ای عمل می‌کنند. در تبیین رابطه سبک‌های انضباطی با جرأت‌ورزی می‌توان گفت، در سبک انضباطی مداخله‌گر، دانش‌آموزان

خود را مطیع قوانین می‌دانند و از توانایی‌هایی که دارند، بهره نمی‌گیرند. از آنجا که دانش‌آموزان این‌گونه کلاس‌ها آزادی، برابری و احترام متقابل را تجربه نمی‌کنند، هیچ‌یک از این رفتارها را نمی‌آموزند و تنها رفتار تحکم‌آمیز از بالاتر و زورگویی به پایین‌تر را که از ویژگی‌های شاخص سبک استبدادی است، یاد می‌گیرند. چنین کلاس‌هایی پر از محدودیت و تنبیهی هستند. تأکید این کلاس‌ها به جای آموزش و یادگیری، بر حفظ انضباط است. معلمان مستبد بر دانش‌آموزان خود، کنترل زیادی اعمال کرده و با آنها ارتباط کلامی زیادی برقرار نمی‌کنند؛ این دانش‌آموزان، یادگیرندگان منفعلی هستند، دست به ابتکار نمی‌زنند، همواره دچار اضطراب می‌شوند و مهارت‌های ارتباطی ضعیفی دارند (دیجیک و استوجیلیکویک، ۲۰۱۱)؛ در نتیجه، در بیان احساسات و عواطف و ابراز وجود خود دچار مشکل شده و جرأت‌ورزی پایینی خواهند داشت، اما طبق سبک انضباطی مشارکتی دانش‌آموزان از راه رابطه‌ی فعال با دیگران (معلم یا همکلاسی) می‌آموزند. نظریه‌ی سبک انضباطی مشارکتی، هم بر فعالیت‌هایی تأکید دارد که فرد برای تغییر محیط انجام می‌دهد و هم به عوامل محیطی توجه دارد که بر فرد اثر می‌گذارد. در کلاس‌هایی که با این سبک اداره می‌شوند، کنترل و انضباط در فرایندی تعاملی هستند. معلم به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا بر فعالیت‌های خود نظارت و درباره‌ی رفتارشان قضاوت کنند. در کلام، چنین معلمی به جای خشونت، محبت نهفته است. شاگردان چنین معلمی، نه به‌خاطر فشار و اجبار؛ بلکه به‌علت نفوذ او، تشویق به همکاری می‌شوند (علوی‌لنگرودی و سلیمانی، ۱۳۹۲) و در نتیجه، می‌توان انتظار داشت که جرأت‌ورزی آنها افزایش یابد. با توجه به یافته‌های این مطالعه، برگزاری دوره‌ی آموزش خانواده برای والدین و دوره‌ی آموزش سبک‌های انضباطی برای مسئولان مدارس پیشنهاد می‌شود. در پژوهش حاضر، نمونه‌ی مورد مطالعه دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی دوم شهرستان زابل است و در تعمیم نتایج این پژوهش به سایر جمعیت‌های آماری، باید احتیاط شود.

منابع و مأخذ

۱. احمدی فاطمه، احتشام‌زاده پروین. (۱۳۹۳ الف). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری مادران با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر ناحیه ۲ آموزش و پرورش اهواز، اولین همایش علمی-پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
۲. اسمعیلی، مریم (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی به روش شناختی- رفتاری گروهی در افزایش عزت‌نفس و جرأت‌ورزی دختران دارای والد معتاد. اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد. شماره ۴ (۱۶). صص ۴۱-۵۶.
۳. امیرپور، برزو؛ اقبالی، محمد؛ امینی، کیانوش؛ فتحی، احمد؛ سربابی، نرگس؛ کلهرنیاگلکار، مریم (۱۳۹۴). نقش سبک‌های فرزندپروری و اعتماد اجتماعی در فرار دختران از خانه. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. شماره ۴ (۳). صص ۳۹-۵۰.
۴. خدیری خان آبادی عبدالرضا، پورشافعی هادی. (۱۳۹۳). رابطه مدیریت کلاس معلمان با خودکارآمدی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۰(۳): ۱۵۷-۱۷۶.
۵. سعیدنژاد، سعید (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های تفکر و سبک‌های انضباطی مدیران مدارس با رفتارهای پرخطر نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۶. سهرابی، فرامرز؛ حسنی، اعظم (۱۳۸۶). شیوه‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای ضداجتماعی دختران. نشریه روان‌شناسی. شماره ۱۱ (۱). صص ۷۵-۸۸.
۷. شکوهی‌یکتا، محسن؛ پزند، اکرم؛ فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. تربیت اسلامی. شماره ۲ (۲). صص ۱۴۰-۱۱۵.
۸. صفرزاده، سحر (۱۳۹۰). بررسی ابعاد شخصیتی و ساختار خانوادگی دختران فراری. زن و فرهنگ. شماره ۲ (۷). صص ۴۷-۶۱.
۹. قدوسی‌نژاد، آیت؛ اسدیان، سیروس؛ فرید، ابوالفضل (۱۳۹۳). اثر مستقیم و غیرمستقیم شیوه‌های مدیریت کلاس درس و ادراک از جو مدرسه بر اهمال‌کاری معلمان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. شماره ۴ (۱۶). صص ۵۳-۷۸.

۱۰. کمیجانی، مهرناز؛ ماهر، فرهاد (۱۳۸۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی، دانش و پژوهش در روان‌شناسی. شماره ۹ (۳۳). صص ۹۴-۶۳.
۱۱. یعقوبی دوست، محمود؛ عنایت، حلیمه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. شماره ۳ (۲). صص ۷۸-۶۱.

12. Cramer P. (2011) *Young Adult Narcissism: A 20 Year Longitudinal Study of the Contribution of Parenting Styles, Preschool Precursors of Narcissism, and Denial*". *Journal of Research in Personality*; 45 (1):19-28.
13. Fontana D. *Classroom control, British journal of physical education research supplement*, 2000; 15(2000):7-11.
14. Lin Y, Shiah I, Chang, Y, Lai T, Wang K, & Chou K. (2004). *Evaluation of an assertiveness training program on nursing and medical students assertiveness, self-esteem and interpersonal communication satisfaction, Nurse Education Today*, 24 (8):656-65.
15. Lizarage LS, Ugarit D, Gradelle EM, & Iriarte DBT. *Eahancement of self-regulation, assertiveness, and empathy, Learning and Instruction*, 203; 13(2003): 423-39.
16. Lorr, M; More, WW. (1980). *Four dimensions of assertiveness. Multivariate behavioral research*, 15 (2), 127-139.
17. Piko B, Balazs F, Mate A. *Authoritative Parenting Style and Adolescent Smoking and Drinking*". *Addictive Behaviors* (2012). 37 (3):353-56.
18. Raudsepp, E. (2005). *How assertive are you? ABI/Inform Global*, 66(4):18.
19. Van Gandy, K. (2002). *Gender, the assertion of autonomy, and the stress process in young adulthood, Social psychology*, 65(4), 346-63.
20. Wray-lake L, Flanagan CA. (2012) *Parenting Practices and the Development of Adolescents' Social Trust, Journal of Adolescence*, 35 (1):549-560.